متهمان پرونده سیل علی‌آبادکتول پای میز محاکمه

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: کیفرخواست پرونده مرگ سه نفر در سیل دهنه زرین‌گل علی‌آبادکتول صادر شد.

هادی هاشمیان در گفت‌وگو با جام جم اظهار کرد: در این کیفرخواست شرکت ملی گاز خطوط شمال و شمال‌شرق به میزان ۶۵درصد، اداره کل راه و شهرسازی به میزان۲۰ درصد، امور آب منطقه‌ای به میزان ۱۰ درصد و اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای به میزان ۵ درصد به اتهام رعایت‌نکردن نظامات دولتی منتهی به مرگ سه نفر در سیل دهنه زرین‌گل مقصر شناخته شدند.

وی بررسی چندباره نظرهای کارشناسی به علت اعتراض دستگاه‌های اجرایی به طولانی شدن روند بررسی این پرونده و صدور کیفرخواست عنوان کرد.

هاشمیان افزود: پرونده پس از صدور کیفرخواست برای صدور رای به دادگاه کیفری دو علی آبادکتول فرستاده شد. یک زوج جوان و فرزند سه‌ساله آن‌ها در سیل مرداد ۱۳۹۶ دهنه زرین‌گل علی آبادکتول، گرفتار شدند و جان باختند.

پشت صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با متهمی که ۸ سال قبل شوهر خواهر خود را به قتل رساند

پدرم از غصه من دق کرد

معصومه ملکی
حوادث

از بچگی با هم بزرگ شده و رفیق گرما به و گلستان هم بودند و آخر سر هم غیر از رفیق و پسرخاله، داماد و برادرزن هم شدند. آنطور که متهم پرونده می‌گوید، پسرخاله‌اش از همان روز اول با خواهر او اختلاف داشت و اره می‌دادند و تیشه می‌گرفتند و همیشه هم پای متهم پرونده برای پادرمیانی به خانه خواهرش باز می‌شد. هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد روزی خرید یک نان بربری دست او را به خون شوهر خواهرش آلوده کند که دوست دیرینه و پسرخاله‌اش هم بود. حالا خاله او تقاضای قصاص کرده و هشت سال است در زندان بلاتکلیف است. در «پشت صحنه یک جنایت» این هفته سراغ این قاتل رفتیم و پای صحبت‌های او نشستیم.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواخر اسفند، خانه پروین حال و هوای استقبال بهار نداشت. صدای داد و فریاد از حیاط کوچکش در دولت‌آباد بلند شده بود. همسایه‌ها به این سر و صدا عادت داشتند. لحظه‌ای صدای شکسته‌شدن شیشه بلند شد و یک لحظه سکوت و بعد جیغ‌های دسته جمعی اعضای خانواده و این بار دیگر همه چیز حکایت از فاجعه‌ای فراتر از دعواهای همیشگی زن و شوهری داشت. همسایه‌ها در چند ثانیه حیاط خانه پروین را پر کردند. سه کودک خردسال پروین وحشت‌زده بالای سر پیکر نیمه‌جان پدرشان ایستاده بودند. همه جا خون پاشیده بود. یکی از همسایه‌ها چشم بچه‌ها را گرفت و دست‌شان را کشید و بیرون از خانه برد. زبان پروین انگار بند آمده بود. همسایه‌ها اما ترتیب همه چیز را دادند. اورژانس و پلیس را خبر کردند و غروب همان روز پدر سه کودک خردسال به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد.

حالا پرونده‌ای پیش روی پلیس قرار داشت که روی آن مهر قتل خورده بود و پروین اولین کسی بود که باید به سوالات ماموران جواب می‌داد. زن جوان با گریه به ماموران گفت که برادرش عامل قتل همسرش است. برادر پروین ردیابی و دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

پرونده برای رسیدگی به دادگاه رفت و مادر مقتول تقاضای قصاص قاتل فرزندش را کرد، اما فرزندان مقتول از قصاص دایی خود گذشت کردند. مادر مقتول باید سهم دیه بقیه اولیای دم را بپردازد اما اقدامی برای اجرای حکم انجام نداده و پرونده در حالت تعلیق قرار دارد.

از آزادی می‌ترسم!

دادگاه تمام می‌شود. رو به روی پنجره راهرو دادگاه می‌ایستد و به نقطه‌ای نامعلوم در خیابان خیره می‌ماند. انگار دارد با حسرت آزادی را نگاه می‌کند. برای دادخواست تعیین تکلیف به دادگاه آمده بود و بیان خواسته‌اش چند دقیقه‌ای بیشتر زمان نبرد. حالا منتظر است تا بعد از این همه سال تکلیف پرونده‌اش تعیین شود تا شاید بار دیگر بتواند طعم آزادی را بچشد. قبل از انتقال به زندان، فرصتی دست داد تا پای صحبت‌هایش بنشینم.

چند سال داری؟

۴۵ سال. البرز از من یک سال کوچکتر بود.

منظورت شوهر خواهرت است؟

بله. ما با هم بزرگ شده بودیم. او پسرخاله من و نزدیک‌ترین دوستم بود.

چرا با او درگیر شدی؟

با خواهرم خیلی اختلاف داشتند. من فکر می‌کردم همین که من و البرز روابط‌مان با هم خوب است و از همه لحاظ قبولش دارم کافیست برای اینکه بتواند خواهرم را هم خوشبخت کند، اما جر و بحث و کتک‌کاری‌شان تمامی نداشت. هر بار هم پای من را به دعوا باز می‌کردند. سر همین میانجی‌گری‌ها هم ارتباطش دیگر با من مثل قبل نبود.

مگر با شما هم مشکلی پیدا کرده بود؟

نه اما فکر می‌کرد من جانبداری خواهرم را می‌کنم و از این بابت ناراحت بود. با اینکه من طرفداری خاصی از هیچ‌کدام‌شان نمی‌کردم و فقط می‌خواستم زندگی‌شان خراب نشود چون سه فرزند داشتند.

زندگی‌شان خراب نشد؟

من نمی‌خواستم این‌طور شود و فرزندان خواهرم بی‌پدر شوند. روز حادثه هم برای دعوا به خانه او نرفته بودم. خانه برادرم بودم. صبح زود چند نان بربری خریدم و رفتم که با هم صبحانه بخوریم. وقتی به آنجا رسیدم دیدم دوباره در حال بگو و مگو با خواهرم هستند. سعی کردم آرام‌شان کنم اما یکدفعه نان بربری را پرتاب کرد وسط حیاط و گفت مگر می‌خواهی به من صدقه بدهی. بلند شو برو بیرون. من خیلی عصبانی شدم که با تحقیر با من صحبت کرد و با او درگیر شده وگفتم چرا نان‌ها را به حیاط انداختی و خیلی از این کارش ناراحت شدم.

چه شد دست به چاقو شدی؟

البرز خیلی عصبانی بود. خون جلوی چشمانش را گرفته بود. بچه‌های خواهرم را می‌دیدم که معصومانه گریه می‌کردند. دلم برای خواهرم هم می‌سوخت. یک لحظه من هم از دست او عصبانی شده و نفهمیدم چه شد.

هشت ضربه چاقو به او زدی؛ همه از روی عصبانیت بود؟

اصلا نمی‌فهمیدم دارم چه‌کار می‌کنم. بعد که فهمیدم هشت ضربه زده بودم، باورم نمی‌شد.

حالا روزهایت را در زندان چطور می‌گذرانی؟

روزهای اول خیلی افسرده بودم، اما کم‌کم به زندان عادت کردم. عضو دارالقران زندان شدم وگاهی اوقات هم برنامه‌های مستند، فوتبال و سریال می‌بینم.

آخرین سریالی که دیدی چه بود؟

پایتخت. وقتی با هم‌بندی‌هایم پایتخت می‌دیدم انگار برای دقایقی درد و غم را یادمان می‌رفت.

دوست داری بعد از آزادی چه کار کنی؟

زندان را دوست ندارم، اما از فکر آزاد شدن و طرد شدن از خانواده هم می‌ترسم. همه از مرگ البرز داغدارند و سراغ مرا نمی‌گیرند. خودم هم دلتنگ او می‌شوم. در تمام عمر به هیچ‌کس اندازه او نزدیک نبودم. اگر آزاد شوم کار می‌کنم تا زندگی بچه‌های خودم و البرز را تامین کنم. من خیلی مدیون همه آنها هستم.

مرزهای زوجیت را مختل نکنیم

دکتر نیلوفر ا... وردی، روان‌شناس در مورد پرونده قتل البرز به دست برادر همسرش گفت: «اولین قدم اشتباه را در این پرونده خواهر متهم برداشته که با تماس با برادرش او را در زندگی مشترک خود دخالت داده است. زوجین باید قبل از ازدواج مهارت ارتباط زوجیت را داشته باشند و مرزهای رابطه زوجی خود را بدانند، مخصوصا ازدواج فامیلی به دخالت بیشتر خانواده‌ها منجر می‌شود و مرزهای زوجیت را مختل می‌کند و مداخله در رابطه زوجیت باعث خشم در طرف مقابل و از بین رفتن حرمت‌ها می‌شود. بنابراین در رابطه زوجی به هیچ عنوان نباید مداخله صورت بگیرد.

قاتل و مقتول هر دو آسیب‌دیده‌هایی هستند که آسیب می‌زنند و عزت‌نفس و هوش عاطفی بالایی ندارند و با حرف‌های همدیگر به‌شدت آزرده می‌شوند و بازخورد مقابله‌ای نشان می‌دهند زیرا شخصیت متمایز ندارند، در برابر ناملایمات محیط به‌شدت آسیب می‌بینند و چون کنترلی بر خشم و هیجان‌شان ندارند این اتفاق کاملا قابل پیش‌بینی است.

کنترل نکردن به موقع خشم و عصبانیت هم در قاتل هم در مقتول عامل بعدی وقوع این جرم است. در شرایط فعلی باید روش برخورد با مادر مقتول کاملا همدلانه باشد و برخورد بازدارنده نباید با فرد داغدار صورت بگیرد. ولی‌دم باید بداند اگر ببخشد بزرگواری کرده و اگر نبخشد حق داشته و جلب رضایت نباید طلبکارانه باشد یا اینکه نباید ولی‌دم را تحت فشار قرار داد.

زندان را دوست ندارم، اما از فکر آزاد شدن و طرد شدن از خانواده هم می‌ترسم. همه از مرگ البرز داغدارند و سراغ مرا نمی‌گیرند. خودم هم دلتنگ او می‌شوم

سرقت‌های خشن عاشق شکست‌خورده در خیابان‌های پایتخت

عاشق شکست‌خورده که برای رسیدن به عشقش باید پولدار می‌شد همراه با یک دزد حرفه‌ای، سرقت‌های خشن در خیابان‌های تهران را رقم زدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، پاییزسال گذشته مردجوان در حال بازگشت از محل کارش در غرب تهران به منزل بود که موتورسوار دو ترکه‌ای به او نزدیک شده و بند کیفش را کشیدند. او مقاومت کرد اما سارقان او را تا دو خیابان روی زمین کشیده و بعد از زخمی‌کردن وی با ضربه‌های چاقو، باسرقت کیف فرار کردند. رهگذران، جوان زخمی را به بیمارستان منتقل کردند و با تلاش پزشکان او بعد از یک هفته جدال با مرگ زنده ماند و از سارقان شکایت کرد. با دستور قریب احمدزاده، بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا اینکه زنان و مردان دیگری که در دام این سارقان زورگیر گرفتار شده بودند با حضور در پلیس آگاهی از متهمان فراری شکایت کردند.

تحقیقات نشان زمانی که سوژه‌های موردنظر قصد ورود یا خروج به محل کار، مراکز خرید یا فروشگاه‌های سطح شهر تهران را داشته‌اند، مورد حمله سارقان قرار گرفته و پول، گوشی تلفن‌همراه، کیف و حتی گردنبند طلایی که برگردنشان بوده سرقت شده است. همچنین معلوم شد دزدان فراری برخی ازشاکیان را با چاقو زخمی کرده یا روی سطح زمین کشانده و مصدوم کرده‌اند. پلیس در جست‌وجوی سارقان بود تا اینکه دو هفته پیش ماموران دوباره با سرقتی مشابه روبه‌رو شدند که در بازبینی فیلم دوربین مداربسته آن محل، تصویر سارقان را به دست آورده و با بانک مجرمان پلیس آگاهی مطابقت دادند که معلوم شد یکی از آنها فرشید از سارق و زورگیران حرفه‌ای است که سال گذشته بعد از پایان محکومیتش آزاد شده بود. سرانجام این متهم در مخفیگاهش بازداشت شد.

فرشید در تحقیقات، حضور در دو فقره از سرقت‌ها را قبول کرد و مدعی بود سرقت‌های دیگر را دوستش بهرام انجام داده است.

با اعتراف این سارق، بهرام هم دستگیر شد و او هم فرشید را به عنوان سارق اصلی معرفی کرد. این در حالی بود که اکثر شاکیان، فرشید را به عنوان دزد اصلی شناسایی کردند.

در ادامه تحقیقات بهرام، ادعای عجیبی را مطرح و گفت که همدستش بیگناه بوده و همه جرایم را خودش پذیرفت. این گفته‌های جدید او با واقعیت مطابقت نمی‌کرد به همین خاطر دوباره از بهرام تحقیق کردند که او اعتراف کرد برای کشته‌نشدن چهارعضو خانواده‌اش دروغ گفته و جرم فرشید را به گردن گرفته است. «کارگر مغازه پدرم هستم. با دختری در اینستاگرام دوست شدم و بعد از مدتی تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. برای اینکه او را از دست ندهم مدام به دروغ می‌گفتم، پولدار و مهندسم و بعد از ازدواج او را به اروپا می‌برم. در محل قرار با خودروهای اجاره‌ای مدل بالا می‌رفتم. باورش شده بود که بچه پولدارم. من و او در یک گروه تلگرامی عضو شدیم که همه اعضای آن جوان بودند. به طور اتفاقی دختری که پیش از این با او دوست بودم نیز عضو آنجا شد و برای انتقام هویت واقعی‌ام را فاش کرد. یک روز در بوستان با فرشید آشنا شدم و نمی دانستم خلافکار است. او وقتی پای صحبتم نشست، مرا فریب داد و گفت که اگر با وی سرقت و زورگیری کنم پولدار می‌شوم و دوباره دختر مورد علاقه‌ام سمتم می‌آید و ازدواج می‌کنیم که با او در دزدی و زورگیری‌ها همراه شده و پول‌هایی نصیبم می‌شد، اما بعد از دستگیری‌مان خانواده و نوچه‌های فرشید سراغ خانواده‌ام رفته و آنها را به مرگ تهدید کردند. از ترس اینکه چهار عضو خانواده‌ام به قتل نرسند، به دروغ گفتم بیشتر سرقت‌ها را من انجام داده‌ام تا فرشید سراغ خانواده‌ام نرود. تحقیقات درباره اعترافات جدید فرشید و نقش او در سرقت‌ها ادامه دارد.

آدمکشی پسر ۱۴ ساله با چاقو

درگیری در مراسم عروسی در ساوجبلاغ با قتل پایان گرفت و پسر ۱۴ ساله به قتل با چاقو اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواخر هفته گذشته ماموران کلانتری چهارباغ ساوجبلاغ در جریان درگیری منجر به قتل در یک مراسم عروسی قرار گرفتند. تیمی از ماموران اداره جنایی پلیس آگاهی در محل درگیری حاضر شده و در بررسی‌های اولیه مشخص شد در این مراسم عروسی تعدادی از نوجوانان از سوی مقتول تهدید شده و این باعث درگیری شده بود. قاتل با چاقوی میوه‌خوری یک ضربه به گردن مقتول زده و باعث مرگ او شده بود. به دلیل شلوغی محل، ضارب از سوی مهمانان قابل شناسایی نبود به همین خاطر با تحقیقات میدانی دو نفر از افرادی که در نزاع شرکت داشتند، شناسایی و بازداشت شدند.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به شناسایی هویت ضارب گفت: یکی از متهمان که ۱۴ ساله بود با مشاهده مستندات پلیس لب به اعتراف گشود و عنوان کرد: صبح روز حادثه مقتول من و برادرم را تهدید کرد که امشب در مراسم عروسی ما را کتک می‌زند اما من به حرف او اعتنایی نکرده و محل را ترک کردم. در عروسی من همراه خانواده‌ام در حال ورود به مراسم بودیم که مقتول همراه ۷ نفر از دوستانش به من و برادرم حمله کردند که در این درگیری من با چاقوی میوه‌خوری یک ضربه به گردن مقتول زده و سریع چاقو را به زمین انداخته و محل را ترک کردم.

شکارچی زنان مسافر در دام پلیس

سارق خشن که در پوشش مسافربر از زنان سرقت می‌کرد، دستگیر و چهره وی برای شناسایی منتشر شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، در پی وقوع چند فقره زورگیری و سرقت از زنان که با خودروهای سرقتی انجام می‌شد، بررسی پرونده به صورت ویژه در دستور کار اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت.

کارآگاهان در بررسی‌های اولیه متوجه شدند سارق با استفاده از سلاح سرد به تهدید و ایجاد رعب و وحشت برای سوژه‌ها اقدام کرده و در صورتی که آنها در برابر او مقاومت می‌کردند با ایجاد ضرب و شتم، تلفن همراه و لوازم باارزش آنها را سرقت می‌کرده است.

در ادامه کارآگاهان متهم را شناسایی و در یک مرکز تجاری در شهرستان فردیس دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهم، سه خودروی سرقتی کشف شد. همچنین متهم به ۲۸ فقره سرقت به شیوه زورگیری از بانوان و چهار فقره سرقت خودرو اعتراف کرد. چهره متهم با درخواست بازپرس شعبه ۲۶ دادسرای عمومی و انقلاب کرج بدون پوشش در روزنامه چاپ می‌شود و افرادی که از او شکایت دارند می‌توانند به کرج، میدان طالقانی، ابتدای بلوار تعاون، پلیس آگاهی استان البرز مراجعه کنند.

نخستین اعدام فدرال پس از ۱۷ سال انجام شد

مرگ با تزریق سم

پس از ۱۷ سال، نخستین اعدام فدرال در آمریکا صورت گرفت و قاتل سه عضو یك خانواده، صبح سه‌شنبه به وقت محلی اعدام شد.

دانیل لوئیس لی ۴۷ ساله که یك خانواده سه نفری، از جمله یك کودك هشت ساله را در آرکانزاس به قتل رسانده بود، با آمپول سمی در یك زندان فدرال در تره هوت ایندیانا، اعدام شد. لی با همدستی دوستش «کیهو» این جنایت را رقم زد. این دو در سال ۱۹۹۶ به جرم کشتن ویلیام مولر تاجر اسلحه، همسرش نانسی و دختر هشت ساله آنها، سارا پاول دستگیر شدند. آنها بعد از قتل، اجساد آنها را در یك باتلاق انداخت. خانواده قربانیان پس از پنج ماه جست‌وجو جسد آنان را یافتند. دادگاه بعد از رسیدگی به پرونده، لی را به اعدام و همدستش را به حبس ابد محکوم کرد. «من این کار را نکردم. اشتباهات زیادی در زندگی مرتکب شدم، اما من قاتل نیستم. شما یك مرد بی‌گناه را می‌کشید.» این آخرین صحبت‌های لی قبل از اجرای حکم اعدام بود. از سوی دیگر، بستگان مقتولان اظهار داشتند که آنها از اعدام لی حمایت نمی‌کنند و به جای اعدام جرم متهم باید به حبس ابد تبدیل می‌شد. وی قرار بود روز دوشنبه اعدام شود، اما قاضی فدرال، اجرای حکم اعدام این فرد و سه نفر دیگر را به دلیل چالش‌های موجود در زمینه اجرای پروتکل دولت در زمینه تزریق داروی کشنده متوقف کرد.

تلنگر

سیلاب، ۴ قربانی گرفت

همزمان با سیلاب‌های موقت در ۱۲ استان چهار نفر فوت شدند و یک نفر هم نجات یافت.

مهدی ولی‌پور، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر به جام جم گفت: توفان‌های تندری تابستانه و سیلاب‌های موقت از ۲۰ تیر امسال تا ساعت شش صبح دیروز چهارشنبه رخ داد و هموطنان در ۱۲ استان آذربایجان‌شرقی، آذربایجان‌غربی، اردبیل، تهران، خراسان‌جنوبی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، گلستان، گیلان و مازندران متاثر از حوادث جوی بودند. ۸۴ تیم عملیاتی شامل ۲۹۶ امدادگر و نجاتگر به ۱۳۵۷ نفر از هموطنان امدادرسانی کردند.

وی افزود: یک نفر در شهرستان آمل بر اثر رعدوبرق و یک خانم میانسال بر اثر وقوع سیل در شهرستان تالش فوت کردند. همچنین افرادی هم در سیل استان اردبیل ناپدید شدند. سیل اردبیل در منطقه‌ای مابین روستاهای چات‌قیه و تقی‌دیزج درحالی رخ داد که سه نوجوان کنار رودخانه بازی می‌کردند و گرفتار سیلاب شده که دو نوجوان ۱۲ ساله فوت شدند و فرد سوم از سوی اهالی نجات یافت.

همچنین عبدالعلی‌پور، مدیرکل مدیریت بحران استان اردبیل گفت: خانه‌های روستای مصطفی‌لو در خلخل ۲۰ تا ۱۰۰ درصد خسارت دیده است.

دعوای مرگبار اوباش در پارک

دو جوان که از اوباش تهران بودند با انگیزه‌ای نامعلوم و در عالم مستی در بوستانی در منطقه بی‌سیم با هم درگیر شدند و یکی از آنها به قتل رسید. انگیزه این قتل هنوز مشخص نشده و پلیس در جست‌وجوی قاتل چاقو به دست است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه دوشنبه بیست و سوم تیر امسال، رهگذران هنگام گذر از بوستانی در منطقه بی‌سیم تهران متوجه درگیری دو مرد در پارک شدند. یکی از آنها چاقویی در دست داشت و به دیگری ضربه وارد می‌کرد. او همان موقع با پلیس و اورژانس تماس گرفت و ماموران وقتی به محل آمدند، جوان زخمی را به بیمارستان منتقل کردند، اما جوان زخمی ساعت ۱۲ ظهر سه‌شنبه به دلیل شدت خونریزی فوت کرد. مرگ او به عباس بخشوده، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و با هماهنگی قضایی جسد مرد جوان به پزشکی قانونی منتقل شد.

زمانی که ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران، تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول را آغاز کردند معلوم شد او از اراذل و اوباش تهران است و شب درگیری با یکی از دوستانش که با او کل کل داشته در بوستان قرار گذاشته بود.

ماموران با شناسایی هویت ضارب متوجه شدند او هم از اراذل و اوباش منطقه است و تحقیقات برای دستگیری او را آغاز کردند اما متهم به محلی نامعلوم گریخته است.

تصادف مرگبار در اتوبان خرازی

راننده پژو پارس بعد از ورود به کارگاه ساختمانی و برخورد با درخت، جان باخت. ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد دیروز یک دستگاه سواری پژو پارس در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید خرازی در حال حرکت بود که ناگهان با موانع فیزیکی داخل یک محوطه کارگاهی برخورد کرد و پس از ورود به محوطه کارگاهی با یکی از کارگران نیز برخورد کرد. این خودرو پس از برخورد با کارگر مسافتی حدود ۸۰۰ متر راطی کرده و سپس به سمت راست منحرف شده و بعد از برخورد با جدول حاشیه بزرگراه و دو اصله درخت واژگون و متوقف شد با حضور امدادگران در محل، مرگ راننده حدود ۳۰ ساله خودرو در محل تایید شد. همچنین سرنشین دیگر خودرو که زنی حدود ۳۰ ساله بود، همراه کارگری که مصدوم شده بود به بیمارستان منتقل شدند.

توضیح یک خبر

در لید مصاحبه دیروز جام جم با رئیس پلیس آگاهی تهران به اشتباه درج شده بود، «علیرضا لطفی، ۲۳ ماه سکاندار پلیس آگاهی تهران بزرگ شده و در این مدت توانسته آمار کشفیات پلیس را کاهش دهد.» در حالی که در این مدت میزان وقوع جرایم کاهش و نرخ کشف جرایم افزایش داشته که بدین وسیله اصلاح می‌شود.